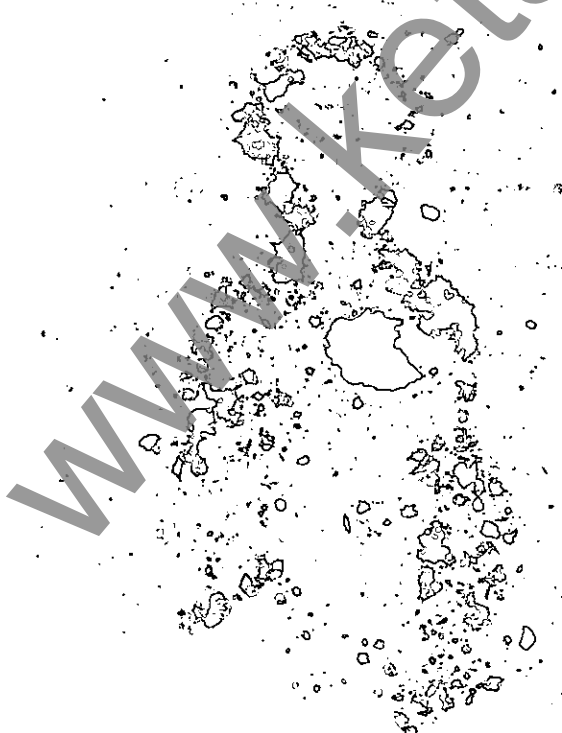


جلال آباد نرسٹ

گفتار بزرگان و امثال ملل

تالیف و تجدآوری: حمید رضا اشراقی گلپایگانی



اشراقی گلپایگانی، حمیدرضا، ۱۳۶۰ -، گردآورنده
با طلا باید نوشت: گفتار بزرگان و امثال ملل /
تألیف و گردآوری حمیدرضا اشراقی گلپایگانی.
تهران: ازدهای طلایی، ۱۳۹۱.

ISBN: 978-964-8630-58-9

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. نکته گویی‌ها و گزینه گویی‌ها. ۲. کلمات قصار

۸۰۸/۸۸۲

PN ۶۰۹۵/ف ۵۸۷

۱۳۹۱

۲۸۴۲۵۱۹

کتابخانه ملی ایران

با طلا باید نوشت

گفتار بزرگان و امثال ملل

تألیف و گردآوری: حمیدرضا اشراقی گلپایگانی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۲

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

ناظر فنی: پرویز واجد سمیعی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۳۰-۵۸-۹

کلیه حقوق محفوظ است.

مرکز پخش: ۶۶۴۰۴۵۳۲



انتشارات توسلی عالی

با پیدایش صنعت چاپ، و ترقی و پیشرفت در صنعت و به دست آوردن تکنولوژی و فناوری در امر مطبوعات، در کنار آزادی قلم سلسله کتاب‌های مفیدی تصنیف و تألیف و منتشر می‌شود.

همان‌طور که هر کالایی بد و خوب دارد، کتاب هم از این قاعده مستثنا نیست، پس چنان که به وجود آورندگان کالاها دو دسته‌اند، نویسندگان نیز طبعاً دو گروه‌اند: برخی خردمندند و خیرخواه، و دسته‌ای زراندوزند و پول‌دوست؛ و چون هر کالایی که آب و رنگ جالب‌تری دارد، مشتری فراوان‌تری هم دارد، قهراً منافع بیشتری به جیب صاحب خویش سرازیر می‌کند - کتبی که با تمایلات و خواسته‌های خوانندگان سازگارتر باشد، پول‌سازتر خواهد بود. به همین دلیل، قلم‌هایی مسموم به کار می‌افتد و کتاب‌هایی مضر منتشر می‌شود و به طبع می‌رسد.

متأسفانه در زمان ما که دعوت به کتاب‌خوانی و مطالعه مطمح توجه قرار گرفته، نظر بسیاری از خوانندگان به همین نوع نوشته‌ها معطوف شده است. خواندن مجلات، روزنامه‌ها و رمان‌ها (پلیسی، جنایی، عشقی، گانگستری و ...) بیشتر وقت مردم خصوصاً جوانان عزیز را پر کرده است و ناگفته پیداست که این اوراق سیاه با روح ساده‌ی جوان چه خواهد کرد. کتاب‌هایی هم که با عنوان مذهب به چاپ

می‌رسد، بیشتر با اشکالاتی همراه است: یا حجم کتاب زیاد است، یا عبارات آن غلیظ است، یا مطالب آن سخیف و یا قیمت آن گران و سرانجام در نسل کم‌حوصله‌ی جوان مارغبتی برای مطالعه‌ی آن‌ها دیده نمی‌شود. از طرفی طبق آمارهای دقیق و به دنبال تجربیات فراوان، معلوم شده است که برخلاف تصور بعضی، نسل جوان خواهان مذهب است، و اگر احیاناً سستی و بی‌علاقگی از ناحیه‌ی این طبقه نسبت به موضوعات دینی مشاهده می‌شود، گناه ایشان نیست. جوان امروز غیر از جوان صد سال و پانصد سال قبل است و اندیشه و طرز تفکرش با آن زمان به کلی تفاوت یافته است. جوان امروز ضمن آن که به روش‌های تجربه‌اندوزی و پیروی از آن متمایل است، می‌خواهد تا آن‌جا که امکانات اجازه می‌دهد این تجربیات را بشناسد. جوان امروز دوست دارد، سؤال کند و جواب قانع‌کننده‌ای بشنود. و خلاصه جوان امروز میل دارد هدف مطالب و سخنان تجربه‌برانگیز را درک کند، آن‌گاه پیروی از آن را گردن نهد. متأسفانه مشکلاتی که برای نسل جوان در این راه به وجود آمده هیچ مشکل‌گشایی ندارد.

خانواده، که اولین پرورشگاه جسم و جان انسان است، نه تنها گره از کار جوانان نمی‌گشاید، بلکه برخی از آن‌ها با خشونت‌نابخشودنی به روح نگران جوان می‌تازند و به آیندگان جامعه به چشم خرده‌گیری می‌نگرند. گویا مایل‌اند که فرزندانشان

کورکورانه از آنان و امثال آنان و ایده‌ها و آرائشان
تبعیت کنند!

محیط آموزشی، که کودکان، دبستان و
دبیرستان و بالاخره مدارس عالی و دانشگاه را شامل
می‌شود هم گرچه نشر مذهب را تعهد کرده است،
و اگرچه فعلاً درس‌هایی فشرده و غالباً بی‌روح با
نام ایده‌های جامعه‌شناختی و معرفتی در برنامه‌های
درسی گنجانده شده است، لیکن به دلیل بی‌اعتنایی
به شأن مذهب، معلم و متخصصی برای این کار ندارد!
عجیب این جاست که حتی برای درس‌هایی نظیر
نقاشی و ورزش متخصص به وجود می‌آورند و پرورش
می‌دهند و حتی اگر لازم باشد برای گذراندن دوره
در خارج هم اقدام می‌کنند، اما درباره‌ی دروس دینی
که یگانه ضامن سعادت فرد و جامعه و تأمین‌کننده‌ی
آرامش روح و اطمینان خاطر انسان است نه تنها
محیطی تخصصی ندارد، بلکه لاقلاً به اشخاصی هم
واگذار نمی‌شود که به این کار علاقه‌ای نشان دهند!
محیط خارج هم که دست به دست هم داده و
جوان نارس را بیش از حد سر به گریبان و سرگردان
و گمراه می‌کنند؛ سینماها با آن فیلم‌های تقریباً ضد
اخلاقی، تلویزیون با برنامه‌های آن‌چنانی، رادیوها با
آن تبلیغات کذایی، محیط و آنچه در خود پذیرفته،
همه و همه نوعی سرگیجه و گم‌گشتگی برای نسل
جوان به وجود آورده‌اند.

ولی خوشبختانه اخیراً نوعی جنبش و تحرک

در عده‌ای از نویسندگان به وجود آمده که بسیار امیدوارکننده است و باید گفت پرسش‌های جوانان را تقریباً پاسخگوست.

لیکن باید دانست که وظیفه‌ی سنگین نجات نسل آینده به عهده‌ی نسل فعلی است و طبعاً این وظیفه به این سادگی انجام‌پذیر نیست. باید در این زمینه کتاب‌هایی به زبان ساده و روان در بخش‌های مختلف اصول و عقاید و سخنان بزرگان و اندیشمندان که پایه‌ی عقاید و شخصیت یک فرد را تشکیل می‌دهند، با طرحی جالب چاپ کرد و اگر مقدور باشد به رایگان در اختیار جوانان گذاشت. زیرا یگانه وسیله‌ای که در اختیار خیرخواهان باقی مانده است، همین قلم و نویسندگی است. اگرچه هنوز هم اسباب و وسایلی برای تبلیغ در اختیار این گروه هست، لیکن با هزار تأسف و وسایل تبلیغاتی اینان بسیار کند و کهنه است. منبر که روزگاری درخشان‌ترین جلوه‌گاه وعظ و نصیحت و موعظه و بلندترین کرسی تدریس و تبلیغ و رواج اندیشه‌ها بوده است در زمان ما به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است! هیچ کس هم درصدد اصلاح این وضع که مطمئناً ضررش برای جوانان از نفعش بیشتر است بر نمی‌آید! مساجد، این مراکز حساس و آرام و آماده جز برای نماز، آن هم با کمیت و کیفیت، و احياناً تعزیه‌داری برای اموات استفاده‌ی دیگری ندارد و برخی از ساده‌لوحان به همین مقدار دل خوش کرده و

معتقدند که اسلام را تا همین حد زنده نگاه داشته‌اند! در نتیجه برای تبلیغ و موعظه یک راه و وسیله باقی می‌ماند که تا حدی با زمان وفق دارد و آن هم کتاب است که باید بهترین و مطمئن‌ترین وسیله‌ی حفظ مسائل انسانی و اصول اخلاقی بشریت باشد. باری، کتابی که ملاحظه می‌کنید از همین فکر الهام گرفته است. شاید از این راه منطق تربیتی و مکتب اخلاقی ما ایرانیان تا اندازه‌ای به نسل جوان عرضه بشود، ضمناً سعی شده تا سرحد امکان سخنان و آرای اندیشمندان کوتاه و اخلاقی و مفهوم برای نوسودان گردآوری شود.

اما انگیزه‌ی من در گردآوری و طبع این کلمات، که قطره‌ای است از دریای بیکران معارف بصیرتی اندیشمندان و صاحب‌نظران عصر، این بود که گاه به گاه می‌دیدم اشخاص و افراد تحصیل کرده در برنامه‌های رادیویی، یا ستون‌های کلمات کوتاه از بزرگان که برخی از روزنامه‌ها می‌نویسند، بیشتر جملات و عباراتی از نویسندگان غربی و به خصوص دانشمندانی را بیان می‌کنند که پس از رنسانس در اروپا ظهور کرده‌اند، که هر گاه گفتار و سخنان موجود در این کتاب را که بعضاً از اندیشمندان غربی نقل شده است، با احادیث اهل بیت و طهارت (ع) تطبیق می‌شود، گواهی می‌دهیم که دانشمندان و صاحب‌نظران غرب، سخنان و جملات قصار موعظه‌ای ائمه و امامان ما را کپی و جعل کرده‌اند، مضافاً بر

این که در حقیقت حق مطلب را هم به درستی بیان نکرده و به نوعی بیان ایشان در مقابل لسان نورانی ائمه قاصر و الکن است، چرا که ایشان از یک منبع فیض لایزال نامتناهی و با علم لدنی خویش به بیان این مطالب پرداخته‌اند و آنچه در حدیث یا روایت آمده مضمون بسیار عالی‌تری دارد!

از این رو به این کار دست زدم تا ضمن خدمتی خرد و ناقابل، جوانان عزیز را با آرا و عقاید بزرگان آشنا کنم، تا جوانان ضمن استفاده و راهگشایی و روشنفکری از این سخنان، بدانند و بفهمند و با نگاهی ژرف و دقیق و مدبرانه متوجه شوند که بسیاری از اندیشه‌ها و مفاهیمی را که آقایان گویندگان و نویسندگان، اندیشمندان غرب و شاعران زمان ما زاییده‌ی فکر سه قرن گذشته‌ی مغرب‌زمین می‌دانند، درست چهارده قرن پیش در بین صاحب‌نظران دین ما (ائمه ع) رواج داشته است. از خداوند آرزوی توفیق دارم تا شاید در آینده بتوانم قیاسی مابین سخنان ائمه (ع) و اندیشمندان غرب برقرار و اثری ارزنده را به جوانان عزیز مسلمان تقدیم بدارم.

حمیدرضا اشراقی گلپایگانی